

## ماه آبان، ماه شاهان

\* برای بسیاری از ایرانیان، به ویژه آنانی که به تاریخ سرزمین و به بسیاری از شاهان ایران باور داشته و به سامانه ی پادشاهی دلبنده هستند، ماه آبان، ماه ویژه ای است.

شاید بتوان این ماه را ماه شاهان نامید. در این ماه است که **محمدرضا شاه پهلوی** (چهارم آبان)، **شاهزاده رضا پهلوی** (نهم آبان)، **شاهدخت شهنواز پهلوی** (دوم آبان)، چشم به جهان گشوده اند. جدا از این زادروزها روز هفتم آبان روز بزرگداشت **کوروش بزرگ** است.

- با زیر و رو کردن رویه های تاریخ کشورمان، درمی یابیم که شاهان دیگری هم، پیرامون همین ماه با یکی یا دو روز زودتر و دیرتر، زاده شده اند، مانند **نادرشاه افشار**. تاریخ به ما می گوید او در روز سی مهر ماه زاده شده است.

- بسیاری از ایرانیان، به ویژه هواداران سامانه ی پادشاهی در این ماه سرگرم برگزاری بزرگداشت **کوروش بزرگ** و یا زادروزهایی بودند که از آنها یاد شد. کار بسیار خوبی انجام شده و از همه ی آنها و کوشش هایشان سپاسگزار می کنیم.

اینگونه شده که رخدادهای دیگر به کنار رانده شده اند. برای نمونه یادآوری می شود که یکی دیگر از فرزندان شیرپاک خورده ی ایرانزمین در آبان ماه چشم به جهان گشوده و او کسی نیست جز **یعقوب لیث صفار**، که می باید از او نوشت و گفت و جوانان را از آنچه او کرده است آگاه نمود.

\* در درازای چهل و اندی سال که **جمهوری اسلامی** مانند هشت پا بر سرزمین مادری ما چنگ انداخته است، بسیاری از هم میهنان برای فرار از خودکامگی فرمانروایان اسلامگرا و ستم آنان هر یک به کشوری پناه برده اند.

این پناه جویان دیروز و فرزندانشان نشان دادند که ایرانی نه تنها تن پرور و کودن نیست، که بسیار هم هوشمند و شایسته است. این سخن، من درآوردی نیست. اگر به نام های مهندسان، ویژه کاران، کارکنان و ... و که در **ناسا** کار می کنند، نگاهی انداخته شود، درستی این گفته روشن خواهد شد.

\* در زمان پادشاهی **رضاشاه بزرگ** و **محمدرضا شاه پهلوی** هر ایرانی می توانست از آموزش رایگان سود برده، در دانشگاه دانش بیاموزد و رفته رفته به پایگاه و جایگاه های بالایی دست یابد. در این زمینه بلندپایگانی را می توان یافت که نه تنها از هزار فامیل نبودند که از خانواده هایی برخاسته بودند که در دهکده ها و شهرک های دور دست زندگی می کردند.

\* نگاه ارزنده ای که دو پادشاه **پهلوی** به دانش و دانش آموزی داشتند، سرزمین ما و مردمانش را که در ناآگاهی دست و پا می زدند و بسیاری از آن رنج می بردند، بیرون آورده و به سوی دانش آموزی رهنمون شدند. در آن پنجاه و چند سال ایران ما به اندازه ی سده ها سال پیش رفت و بزرگان و دانشمندان را در دامان خود پرورد که مایه ی سرفرازی ایران شدند.

این خویشکاری ما ایرانیان است که زندگینامه ی بزرگان سرزمینمان را، از دورترین زمان، بخوانیم و نوشته هایی از این دست را به آگاهی جوانان برسانیم.

\* در اینجا از غلامرضا رشید یاسمی **کوران**، یاد می کنم.

- **رشید یاسمی** نویسنده، تاریخ نگار، تریبان (مترجم) و سُراینده بود. او در ۲۹ آبان ماه ۱۲۷۵ خورشیدی، در روستای **کهوره**، در شهرستان **آلاهو** در استان **کرمانشاه** چشم به جهان گشود. پدرش **محمودلی خان میرپنج** سراینده و خوشنویس و نگارگر (نقاش) بود که به **خان خانان** پُر آوازه بود.

او نامسار (تخلص) **نصرت** را برگزیده و در سروده هایش خود را چنین می نامید. **نورتاج خانم** نام مادر **رشید** بود.

- پدر **رشید یاسمی** در سال ۱۳۲۲ ماهی فرارفتی (هجری قمری) به بیماری وبا دچار شد و در ۳۰ سالگی درگذشت. در آن هنگام **رشید** هشت سال بیشتر نداشت و مادرش **نورتاج خانم** در تربیت او نخش بزرگی داشت.

- **رشید** دبستان را در **کرمانشاه** به پایان رسانید و پس از آن به تهران رفته و در دبیرستان **سن لویی** آموزش را دنبال کرد.

**نظام وفا** دبیر دانش های ادبیک (ادبیات) او بود که با آفرین گفتن هایش به **رشید** دلگرمی می داد تا سروده بسراید.

**رشید یاسمی** پس از پایان دبیرستان زمانی چند در وزارت آموزش و پرورش و وزارت دارایی (معارف و مایه) سرگرم کار شد.

در همان زمان **جرکه ی دانشوری**

را به راه انداخت که کمی دیرتر با کوشایی **ملک الشعرا ی بهار** نامش به **انجمن دانشکده** دگرگون شد.

- **رشید یاسمی** با دانشمندی مانند **محمد تقی بهار**، **سعید نفیسی**، **عباس اقبال** و **ابراهیم الفت** کار می کرد.

- یکی از دلبندهای **رشید یاسمی** سُراینده ی بود. او دگرگونی های فرهنگی را در سروده هایش باز تاب می داد. او نخستین سراینده ای بود که نیاز دگرگونی

در سروده های پارسی را دریافت و کوشید که رنگ و هوای تازه ای به سروده هایش بدهد.

\* **علی دشتی** در سال ۱۳۰۰، سردبیری روزنامه **ی شفق سرخ** را به گردن گرفت. **رشید یاسمی** در آن روزنامه نوشته هایی می نوشت که همین خود پایه و مایه ی پرآوازه شدنش در بخش ادبی شد.

در همان زمان بود که **رشید یاسمی** به فراگرفتن زبان های عربی و انگلیسی و پهلوی پرداخت و برای بهتر کردن زبان فرانسه که

آنرا می شناخت کوشش فراوان کرد.

\* در سال ۱۳۱۲ که دانشگاه تهران با پشتیبانی و کوشایی رضاشاه بزرگ برپا شد و درش به روی تشنان دانش باز گردید، وی آموزش رشته ی تاریخ را پذیرفته و استاد دانشگاه شد.

- رشید یاسمی یکی از هموندان فرهنگستان ایران بود.

- در سال ۱۳۲۲ همراه گروهی از استادان ایرانی رهسپار هند شد. این گروه در برگیرنده ی بزرگانی از ادب پارسی، مانند ابراهیم پورداوود و علی اصغر حکمت، بود.

\* رشید یاسمی در روز یازدهم اسپند ماه ۱۳۲۷ هنگامی که در دانشکده ی دانش های ادبیک (ادبیات) سرگرم سخنرانی بود دچار منزمان (سکنه مغزی) شد. ولی خوشبختانه درمان شد و توانست بار دیگر به اروپا برود. چندی پس از بازگشت به ایران، در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰، در تهران چشم از جهان فرو بست. او در گورستان ظهیرالدوله آرمیده است.

گردآورنده : ژاله دفتریان

آبان ماه ۲۵۸۰ ایرانی

نوفمبر ۲۰۲۱ ترسای